

درآمدی بر نظام اخلاقی استاد مصباح یزدی با تأکید بر اصل بندگی

سید محمد رضا موسوی نسب *

چکیده

پژوهش حاضر با بهره‌مندی از روش توصیفی و تحلیل محتوا، به نظام اخلاق از دیدگاه محمدتقی مصباح یزدی به‌عنوان اندیشمندی صاحب‌نظر در حوزه اخلاق نظری و عملی پرداخته است. نظریه ارزش اخلاقی در دیدگاه ایشان در زمره «نظریات تک اصلی» و «غایت‌گرای کمال‌نگر» قرار دارد. وی عبودیت را مهم‌ترین، کلی‌ترین و عام‌ترین هنجار دانسته و معتقد است که بندگی، همه روابط انسان‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد. به نظر استاد عبودیت و بندگی خداوند حکمی عقلی است که منشأ در فطرت انسان دارد و آیات قرآن کریم و روایات نیز بر آن تأکید کرده‌اند. ایشان با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام ارتباط انسان، قواعد و هنجارهایی مانند اخلاص، استعانت، تواضع، و مانند آن را از اصل عبودیت برشمرده‌اند. در این تحقیق سایر مؤلفه‌های نظام اخلاقی نیز موردتوجه قرار گرفته و به مشوق‌های خداوند در ترغیب و تشویق روح‌بندگی اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها

نظام اخلاقی، اصل عبودیت، قواعد اخلاقی، کد اخلاقی عبودیت، مصباح یزدی.

* استادیار گروه اخلاق موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران. (smrmn1346@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸)

□ سیدمحمد رضا موسوی نسب (۱۴۰۴). درآمدی بر نظام اخلاقی استاد مصباح یزدی با تأکید بر اصل بندگی. *فصلنامه اخلاقی و حیاتی*، ۱ (۳۴)، ۱۲۵-۱۵۲.

doi: 10.22034/ethics.2025.485858.2024

مقدمه

انسان موجود پیچیده‌ای است که رفتارها و اعمال او تحت تأثیر عوامل متعددی مانند باورها، ارزش‌ها، سائق‌ها، غرایز و مانند آن قرار دارد. باورها هستند که منجر به تشکیل نظام‌ها و از جمله نظام اخلاقی و نظام ارزشی می‌شوند. نظام اخلاقی و ارزشی مبتنی بر باورها به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رفتار، به زندگی انسان معنا و جهت می‌بخشد و تعیین می‌کند که انسان در موقعیت‌های مختلف چه تصمیمی بگیرد و چه رفتارهایی داشته باشد. بر اساس نظام ارزشی می‌توان رفتارهای انسان را بهتر درک کرد و نحوه رفتارهای او را در موقعیت‌های مختلف پیش بینی کرد.

محمد تقی مصباح یزدی ره به عنوان شخصیتی اسلام‌شناس و صاحب‌نظر در حوزه اخلاق مباحث فراوانی در فلسفه اخلاق، اخلاق در قرآن و اخلاق در روایات ارائه کرده است؛ اما به صورت نظام اخلاقی مطرح و تدوین نشده است. این نوشتار آغازی است برای ارائه نظام اخلاقی و ارزشی اسلام مبتنی بر دیدگاه استاد مصباح یزدی.

پیشینه پژوهش

در تدوین نظام اخلاقی برخی از منابع که به این موضوع پرداخته اند عبارتند از: حسینی قلعه بهمن در مقاله تحلیل گد اخلاقی «محبت» در آئین کاتولیک (۱۳۹۶) عناصر گد اخلاقی هنجار محبت در آئین کاتولیک را موردتوجه قرار داده است و چالش‌های آن را مشخص کرده است. ایشان در مقاله تحلیلی بر مفهوم جایگاه و نقش اصل اخلاقی در نظام اخلاقی (۱۴۰۱) به ویژگی‌های اصل اخلاقی پرداخته است و در مقاله تحلیلی بر ساختار نظام اخلاقی در ادیان (۱۳۹۴) نیز رابطه مبانی پذیرفته شده در ادیان و تدوین نظام اخلاقی را موردتوجه قرار داده است. بسیاری از آثار علامه مصباح نیز برای تدوین این مقاله مراجعه شده است. این بررسی از نوع پژوهش‌های توصیفی و تحلیل محتوا و با استفاده از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای صورت خواهد گرفت. از آنجاکه دستیابی به نظام‌ها بدون توجه به مبانی و اهداف امکان‌پذیر نیست نخست این دو مؤلفه را موردتوجه قرار می‌دهیم:

مبانی اخلاق

مبانی جمع مبنا از ریشه‌ی «بنی»، به معنای بنیاد، بنیان، اساس و شالوده است. (معین، ۱۳۸۲، ص. ۸۴۰) و در اصطلاح به گزاره‌هایی خبری که یا بدیهی‌اند یا از دانش‌هایی دیگر وام گرفته می‌شوند و پیش‌فرض برای دانشی دیگر قرار می‌گیرند، گفته می‌شود. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص. ۶۶) منظور ما از مبانی به معنای عام یعنی مجموعه گزاره‌های مربوط به اعتقادات و باورها است که زیربنای علمی و عملی یک مکتب را تشکیل می‌دهند.

استاد مصباح مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی را در کتاب‌های خود به‌ویژه معارف قرآن و آموزش فلسفه، فلسفه اخلاق و فلسفه تعلیم و تربیت به تفصیل آورده‌اند و ما نیز آن مبانی را به‌عنوان اصول موضوعه پذیرفته و در این بررسی از بیان آن خودداری می‌کنیم. اولین مؤلفه‌های که از دل این مبانی به دست می‌آید اهداف نهایی است.

هدف نهایی

هدف در یک معنا غرضی است که کار به‌سوی آن نشانه می‌رود. معمولاً واژه هدف برای چیزی که مطلوب فاعل است و وی برای به‌دست آوردن آن، کاری را انجام می‌دهد، به کار می‌رود. اهداف ارزش و مطلوبیت برنامه‌ها و فعالیت‌ها و جهت و مسیر حرکت و نتایج مشخص را نشان می‌دهند. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۳-۲۱۵). پرسش این است از مبانی مطرح‌شده در اسلام چه هدف یا اهدافی قابل برداشت است؟

تعبیرات مختلف از هدف نهایی

بر اساس مبانی الهیاتی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی یک هدف مشترک وجود دارد که از سوی خداوند به کمال رساندن موجودات و از سوی موجودات و انسان به کمال رسیدن است. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۷) علامه مصباح ره برای هدف نهایی زندگی انسان یا هدف نهایی اخلاق اسلامی، سه تعبیر کمال نفس، قرب الی‌الله و رسیدن به سعادت را مطرح کرده‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸،

ج. ۱، ص. ۳۰ و گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۴) هرچند از نظر مفهومی این سه واژه متفاوت اند؛ اما از نظر مصداقی یکی هستند. علامه مصباح به این نکته اشاره کرده و می‌فرماید: «سعادت و کمال، گرچه دو مفهوم اند و از دو حیثیت انتزاع می‌شوند؛ ولی، در واقع و مصداق متحد و غیر قابل انفکاک هستند؛ یعنی، اگر کمالی برای نفس حاصل شد انسان سعادت‌مند می‌شود و انسانی سعادت‌مند است که کامل باشد.» (همو، ۱۳۹۱، ج. ۱، ص. ۵۱) و در آیین پرواز می‌نویسند: آنچه از تعالیم انبیا برمی‌آید این است که تکامل انسان در «قرب به خدا» است. این مفهومی است که همه انبیا آن را به پیروان خود تعلیم داده‌اند و می‌توان آن را امری فطری دانست. (همو، ۱۳۹۹، ص. ۴۰)

توضیح اینکه تکامل حقیقی انسان عبارت است از سیر علمی که روح در درون ذات خود به سوی خدا دارد تا به مقامی برسد که خود را عین تعلق و ارتباط به او بیابد و برای خود و هیچ موجود دیگری استقلالی در ذات و صفات و افعال نبیند. «هر قدر انسان خود را مستقل‌تر بداند، نادان‌تر و ناقص‌تر و از خدا دورتر است. در مقابل، هر قدر خود را به خدا نیازمندتر ببیند، دانای‌تر و کامل‌تر و به خدا نزدیک‌تر می‌شود؛ تا جایی که نه تنها در افعال و تأثیرات موحد می‌گردد، بلکه برای صفات و ذوات هم استقلالی نمی‌بیند.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۸)

از مجموع مبانی و اهداف، نظام‌های ارزشی مختلفی مانند نظام‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی شکل می‌گیرند که با توجه به هدف این بررسی به نظام اخلاقی می‌پردازیم.

نظام اخلاقی

نظام اخلاقی عبارت است از مجموعه و سامانه‌ای (نظریه ارزش‌ها، اصول، قواعد و ...) که در یک جامعه، فرهنگ، دین، گروه و یا مکتب جریان دارد و رفتارها (راست‌گویی و دروغ‌گویی)، صفات (سخاوت و بخل) و وضعیت‌های اختیاری پیروان خود را (مانند زهد و تقوا که برآیند شناخت و گرایش و رفتار اخلاقی هستند) در جهتی خاص هدایت می‌کند. به سخن دیگر نظام اخلاقی طراح چگونگی مواجهه انسان‌ها با خود، دیگران، خدا و محیط‌زیست است غیر از تفاوت‌های دیگر. این نظام سامانه،

برای آدمیان تعیین می‌کند که چه صفت و خصلتی درست و چه ویژگی‌هایی خطا است. (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳-۱۳۰) در حقیقت این نظام به‌عنوان یک چارچوب اخلاقی عمل می‌کند و اصول و قواعدی را برای ارزیابی صحت و نادرستی رفتارها و تصمیمات فراهم می‌کند.

باید توجه داشت که نظام اخلاقی با نظام احکام تکلیف فقهی هر دو به نوعی به ارتباط انسان با خداوند، خود و دیگران پرداخته و به تنظیم رفتارهای انسانی کمک می‌کنند، اما از نظر ماهیت، منابع اعتبار، اصول، اهداف و نوع الزام تفاوت‌های اساسی دارند. (مهاجرانی و فتحعلی، ۱۴۰۱، ص. ۷-۲۰)

استاد مصباح درباره ویژگی نظام اخلاقی اسلام می‌فرماید: نظام اخلاقی اسلام مبتنی بر نوعی جهان‌بینی است که وجود خداوند را به‌عنوان مبدأ و آفریننده موجودات و انسان را به‌عنوان موجودی وابسته و نیازمند به او معرفی می‌کند. انسان در این بیش فقر محض است و نسبت به خداوند وجودی ربطی بیش ندارد. *يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ*؛ (فاطر/۱۶) ای مردم شما نیازمندان به خدا هستید و فقط خداوند بی‌نیاز و ستوده است. طبیعی است این نظام برای آنکه سیرش مبتنی بر حقایق و هماهنگی با واقعیت‌ها و برکنار از اوهام و تخیلات باشد، ناگزیر است رابطه عبودیت و ربوبیت را مورد توجه قرار دهد و بر اساس این اصل برنامه‌ریزی کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ب، ص. ۵۴)

مؤلفه‌های نظام اخلاقی

نظام اخلاقی به‌عنوان یک سامانه (مجموعه یا سیستم) دارای شش عنصر یا مؤلفه است: نظریه ارزش اخلاقی، اصول بنیادین، قواعد استنتاجی، مشوق‌ها و عوامل انگیزشی، ضمانت‌های اجرایی نظام، توجیه (چرایی عمل به‌نظام خاص اخلاقی). (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳-۱۳۰)

نظریه ارزش اخلاقی

نظریه ارزش اخلاقی،^۱ در درون یک سیستم و نظام اخلاقی، در حکم یک بنیان و سرچشمه برای ارزش‌ها و دستورات اخلاقی است. (Hurka, 2006, 357) این ارزش‌ها و فرامین اخلاقی، راهنمای عمل

1. theory of moral values.

اخلاقی پیروان و تبعیت کنندگان نظام اخلاقی هستند. این اصول و قواعد، توجیه کننده رفتارها، اوصاف و وضعیت‌های اختیاری عوامل اخلاقی است؛ چرا که آنان، این امور را بر اساس راهنمایی اصول و قواعد مزبور به انجام رسانیده‌اند. (Scanlon, T.M, 1998)

به سخن دیگر نظریه ارزش اخلاقی معیار یا ملاک خوبی یا بدی، درستی یا نادرستی، بایسته یا نبایسته بودن یک رفتار، صفت و یا وضعیت اختیاری را نشان می‌دهد و به مثابه ترازویی عمل می‌کند که در آن افعال و صفات و وضعیت‌های اختیاری انسان قرار می‌گیرد و وزن اخلاقی آن‌ها را آشکار می‌سازد. (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳-۱۳۰)

برخی از نظریه‌های ارزش اخلاقی مطرح عبارت‌اند از:

فضیلت‌گرایی^۱: بر اساس این نظریه، ارزش عمل در خواص و صفات فردی است که می‌تواند باعث رشد و بلوغ اخلاقی شود. به سخن دیگر ملاک درستی و خطا را باید در درون انسان جستجو کرد.

غایت‌گرایی^۲: طبق این نظریه، عمل درست بر اساس هدف‌ها و مقاصد نهایی انجام می‌شود. در این گروه از نظریات، نخست یک هدف و غایتی که خارج از حوزه اخلاق دارای ارزش است، تعیین می‌گردد، سپس، رفتارها و صفات‌های اختیاری آدمیان با آن هدف و غایت سنجیده می‌شوند، در صورتی که آن هدف را تأمین کنند، به آن رفتارها و صفات‌های اختیاری ارزش اخلاقی مثبت داده می‌شود و در صورتی که آن هدف و غایت را تأمین نکنند، به آنها ارزش اخلاقی منفی داده می‌شود.

در این که چه هدف و غایتی باید در ارزش اخلاقی مدنظر قرار گیرد اختلاف نظر دارند. عده‌ای آن غایت را در وجود انسان و استعدادهای او قرار داده و معتقدند کاری خوب است که استعدادهای انسان را به فعلیت برساند و به تعبیری کمالی را در انسان پدید آورد و گروهی هم آن غایت را به خیر و لذت

1. Virtue Ethics

2. Teleological theory

و سود او تعبیر می‌نمایند. گروه اول را معمولاً کمال‌گرا^۱ و دسته دوم را نتیجه‌گرا^۲ می‌خوانند. یکی از مصادیق مهم نتیجه‌گرایی سودگرایی^۳ است. (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳ - ۱۳۰) سودگرایان عملی را درست می‌دانند که موجب بیشترین سود و خوشحالی (مادی) برای بیشترین افراد شود. وظیفه‌گرایی^۴ این نظریه بر این اصل تأکید دارد که عمل درست باید بر اساس وظایف و اصول کلی اخلاقی انجام شود.

حق محوری^۵: این نظریه بر این اصل تأکید دارد که عمل درست، احترام به حقوق فردی افراد است. (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳ - ۱۳۰) در این رویکرد، هر فرد به عنوان یک موجود مستقل دارای حقوق ذاتی شناخته می‌شود که باید مورد احترام قرار گیرد. به نظر می‌رسد حق محوری هر چند می‌تواند با فضیلت‌گرایی هم‌خوانی داشته باشد ولی در پنجاه سال اخیر این مفهوم به طور مستقل در بسیاری از نظام‌های حقوقی و اخلاق حرفه‌ای در غرب با تأکید بر اعلامیه حقوق بشر به کار گرفته شده است. اکنون باید دید نظریه ارزشی استاد مصباح در کدام یک از این الگوهای قرار می‌گیرد؟ علامه هدف اخلاق را در یک تعبیر رسیدن به سعادت که عبارت از برترین و پایدارترین لذت است، معرفی می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۹۱)؛ اما از آنجا که علامه تفسیر خاصی از سعادت دارند و مصداق سعادت را سعادت برین و معنوی و آن جهانی تفسیر می‌کنند، نمی‌توان این دیدگاه را سودگرا معرفی کرد؛ زیرا در سودگرایی مصطلح منافع مادی و دنیای مورد توجه قرار می‌گیرد.

با تفسیری که علامه از هدف اخلاق (رسیدن به سعادت، کمال‌گرایی و قرب الی الله) مطرح کرده‌اند و با توجه به ظرفیتی که خداوند در انسان قرار داده است به گونه‌ای که انسان می‌تواند با به فعلیت

-
1. Perfectionist
 2. Consequentialist
 3. Utilitarianism
 4. Deontological ethic
 5. Rights-based Ethics

رسیدن این استعدادهای درونی به هدف مطلوب نزدیک شود. دیدگاه علامه را می‌توان به‌عنوان یک نظریه ارزشی غایت‌گرای کمال‌گرایانه معرفی کرد.

بعد از نظریه ارزش، پایه‌ای‌ترین، پرکاربردترین و مهمترین ارزش و الزام اخلاقی در یک نظام اخلاقی، اصل اخلاقی است. در ادامه به بررسی مفهومی اصل و کد اخلاقی آن از دیدگاه علامه می‌پردازیم.

۲. اصل اخلاقی

اصل اخلاقی قاعده یا باور اخلاقی است که آدمی را در شناخت آنچه درست است و آنچه خطا است یاری می‌رساند و بر رفتار آدمی تأثیر می‌گذارد. (حسینی قلعه بهمن، ۱۴۰۱، ۱۱۵ - ۱۳۶) چند ویژگی برای اصل اخلاقی مطرح کرده‌اند:

از سنخ بایدها و نبایدها و خوب‌ها و بد‌ها هستند.
بر اساس مبانی، هست‌ها و نیست‌ها و نظریه ارزش سامان می‌گیرند.
سرمنشأ برای سایر قواعد اخلاقی هستند.
در تمام حوزه‌های اخلاق جریان دارند.
در نظام اخلاقی مربوط به خود استثنای پذیر هستند.
هر نظام اخلاقی ممکن است یک اصل (وحدت‌گرا) یا بیش از یک اصل (کثرت‌گرا) برای خود داشته باشد.

ریشه سایر احکام اخلاقی قرار می‌گیرند و از اصل دیگری استخراج نمی‌شوند.
معیار توجیه قواعد و احکام اخلاقی قرار می‌گیرند.

رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها را هدایت و راه برون‌رفت از تعارضات اخلاقی را نشان می‌دهند. (همو، همان)
از نظر علامه مصباح و نظام ارزشی پذیرفته‌شده چه اصل با اصول اخلاقی بنیادین را می‌توان در نظام اخلاقی علامه مصباح مطرح کرد؟

اصل اخلاقی از دیدگاه استاد مصباح

ایشان به تبع آیه ۲۱ سوره بقره و ۵۶ سوره ذاریات که در همین مقاله در بحث منبع صدور کد اخلاقی به آن پرداخته شده است، عبودیت (بایستگی بندگی) را به عنوان اصل مهم برای تکامل انسان معرفی کرده اند و می فرمایند اصولاً راه تکامل انسان، عبودیت و بندگی خدا است و جز این، راهی برای تکامل فراروی انسان وجود ندارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ب، ۱۸۳ و ۱۳۸۳ الف، ص. ۶۸) البته در نظام اخلاقی اسلام، عبودیت خود مبتنی بر لوازمی مانند ایمان، نیت و مبانی معرفتی به عنوان پدیده های انسان شناختی است که در بحث لوازم کد اخلاقی به آن خواهیم پرداخت.

بنابراین عبودیت به عنوان یک وضعیت یا حالت اخلاقی که مباحث معرفتی، صفات اخلاقی و رفتاری را در بر می گیرد تمام معیارهای مطرح شده برای اصل اخلاقی را داراست؛ زیرا عبودیت و بندگی مفهومی عام و کلی است و همه حوزه های ارتباط انسان را در بر می گیرد، مستقیماً از مبانی اتخاذ می شود، به صورت هنجاری نوشته می شود، استثنای پذیر است و ریشه قواعد و سایر احکام قرار می گیرد و می تواند رفتارها و تصمیمات انسان را هدایت کند. از این رو با توجه به حاکمیت عبودیت بر همه روابط انسانی می توان دیدگاه علامه را در زمره نظامات تک اصلی (اصل عبودت) معرفی کرد. توضیح اینکه در فلسفه اخلاق، «نظام تک اصلی» به معنای یک رویکرد اخلاقی است که بر اساس یک اصل یا معیار واحد، تمامی رفتارها و تصمیمات اخلاقی را ارزیابی می کند. این نظام به دنبال ارائه یک چارچوب کلی برای فهم و قضاوت درباره اعمال انسانی است و می تواند به عنوان یک نظریه جامع در اخلاق عمل کند. نظام تک اصلی دارای ویژگی هایی است که عبارتند از: یکپارچگی اصول یا معیار کلی برای ارزیابی، معیارهای واضح برای سنجش خوب و بد، ساده سازی قضاوت ها درباره اعمال انسانی ساده تر می شود و افراد می توانند به راحتی تشخیص دهند که آیا عملی اخلاقی است یا

خیر (ر.ک. پینکوس^۱، ۱۳۸۲)

چیستی عبودیت و بندگی

عبودیت در لغت به معنی بندگی کردن است و در اصطلاح به این معنی است که انسان خدا را رب و مالک و مدبر خویش بگیرد و غیر او را کنار بگذارد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید کلمه عبد به معنای انسان و یا هر دارای شعور دیگری است که ملک غیر باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ۳۶) و علامه مصباح می‌فرماید حقیقت بندگی این است که انسان، هم این واقعیت را دریابد و به آن اذعان داشته باشد و هم در عمل آن را به اثبات برساند که از خودش هیچ ندارد و مملوک خدا است و هر چه دارد و هست، همه از آن خدای متعال است و جز او مالک و مدبر و صاحب‌اختیاری نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۸ ب، ۱۸۴ و ۱۳۹۱ ج، ص. ۲۸۱)

در ادامه به منظور روشن شدن و رفع ابهام از اصل عبودیت آیین‌نامه اجرایی یا «کد اخلاقی» آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کد اخلاقی بندگی

یک اصل یا قاعده اخلاقی (اصل بایستگی بندگی)، در حالت عادی شاید اجرائیش ساده به نظر برسد، اما در مرحله عمل گره‌ها و ابهامات آن رخ می‌نماید و کار را برای رعایت آن دشوار می‌سازد. از این رو باید آن را از زوایای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. در حوزه اخلاق، کد اخلاقی این رسالت را بر عهده دارد. کد اخلاقی در ادبیات اخلاقی معانی متعددی دارد: ۱. نظام اخلاقی؛ ۲. هنجار اخلاقی، ۳. آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی و ۴. منشور اخلاقی. کد اخلاقی به معنای سوم، یعنی دستورالعمل اجرایی نسبت به اصول و قواعد اخلاقی، کمک می‌کند تا از ابهامات عملیاتی شدن هنجار اخلاقی کاسته شود و مسیر کاربردی شدن آن هموار گردد. (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۶، ص. ۹۱-۱۱۰)

بنابراین کد اخلاقی فقط در باره اصل و قاعده اخلاقی مطرح می‌شود نه همه مؤلفه‌های نظام اخلاقی. برای کد اخلاقی و آیین‌نامه اجرایی اخلاق، ارکان و اجزائی را مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. تدوین عنوان کد (شکل هنجار)، ۲. پیشینه آن اصل یا قاعده اخلاقی، ۳. منشاء صدور آن

اصل یا قاعده اخلاقی، ۴. تعیین هدف، قاعده یا اصل بودن آن، ۵. مشوق‌ها برای اجرای آن اصل و یا قاعده، ۶. ضمانت اجرای اصل یا قاعده، ۷. توضیح و تبیین واژگان موجود در کُدها، ۸. لوازم اجرای آن کُدها اخلاقی، ۹. چالش‌ها و تعارض‌های کُدها اخلاقی مذکور و ۱۰. ارائه راه‌حل آن چالش‌ها. (همان، ۱۳۹۶، ۹۱-۱۱۰)

معرفی عنوان کُدها بندگی (شکل هنجاری بندگی)

اصل اخلاقی «بندگی» را به دو شکل ارزشی و الزامی می‌توان عنوان و مطرح کرد. شکل ارزشی آن عبارت است از: «بندگی کردن، اخلاقاً خوب است» و شکل الزامی آن عبارت است از: «انسان‌ها باید بندگی خدا را در زندگی انجام دهند.»

پیشینه کُدها اخلاقی بندگی

در بررسی این موضوع که اصل بندگی از کجا آمده است؟ باید گفت فطرت انسان به گونه‌ای است که روح پرستش و بندگی در آن نهادینه شده است و بر این اساس انسان‌ها در طول تاریخ به گونه‌ای روح پرستش را نشان می‌داده‌اند. در کتاب تاریخ جامع ادیان گزارش مفصلی از شیوه‌های عبادت در ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی آمده است؛ مثلاً درباره معابد مذهبی شینتو (مذهب وطن پرستی ژاپن) نوشته است: در این معابد پیش از پرستش، زائر باید تطهیر می‌کرد و دست و دهان خود را می‌شست و در وضوخانه معبد وضویی می‌ساخت و دو کف دست بر هم می‌نهاد و با به صدا درآوردن زنگ و انجام نماز و نیایش و تعظیم در حالت مراقبه و تأمل به عبادت می‌پرداخت. (ناس، ۱۳۸۸، ص. ۴۲۷) همچنین در این کتاب گزارش مفصلی از عبادت در آیین‌های بودا، مانی، صائیان و مندانیان و عبادت در ادیان ابراهیمی مثل زرتشت و یهود و مسیحیت مطرح شده است. (ر.ک. همان)

بنابراین موضوع پرستش و بندگی ریشه در فطرت انسان دارد؛ و به نوعی به ارتباط با خداوند اشاره دارند، اما پرستش بیشتر بر روی اعمال ظاهری و رفتارهای مشخص تأکید دارد، در حالی که عبودیت بر حالت درونی، تسلیم و وابستگی کامل به خداوند متمرکز است. از نظر تعالیم اسلامی

امر «عبودیت» دارای مراتب بی شماری است و همه مراتب آن مطلوب است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، الف، ۵۲) در بخش مفهوم عناصر کلیدی بیشتر به حقیقت عبودیت پرداخته شده است.

منبع صدور کُد اخلاقی بندگی

کُد اخلاقی بندگی در عالم اسلام از جایگاهی ویژه برخوردار است. اصلی ترین منابع برای کُد اخلاقی بندگی عبارتند از: فطرت، عقل، قرآن، روایات و سخنان اندیشمندان اسلامی. چنانچه اشاره شد انسان ها به طور فطری، اهل پرستش و بندگی هستند، زیرا فطرتاً کمال خواه و سعادت طلب هستند و تنها راه آن نیز بندگی است. از نگاه عقل نیز وقتی انسان عظمت خداوند و رابطه او را با موجودات مورد توجه قرار می دهد در برابر این عظمت به کرنش، خضوع و اخبات می افتد و در برابر نعمت های الهی شکرگزار می گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، الف، ج ۱).

قرآن کریم نیز اساساً هدف آفرینش را بندگی معرفی می کند وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/۵۶)؛ جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا عبادت کنند. این آیه نشان می دهد اگر خدا را عبادت کنیم به هدف نهایی خلقت انسان که مدنظر خداوند بوده است، دست یافته ایم. (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، الف، ص. ۴۸) و در موارد متعدد، همگان را امر به بندگی کرده است به عنوان نمونه در آیه ۲۱ سوره بقره می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده است، پرستید تا [با پرستیدن او] پروا پیشه شوید؛ و در جای دیگر از قول حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (زخرف/۶۴)؛ در حقیقت، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را پرستید، این است راه راست. از آیاتی که در آنها امر به اطاعت، تبعیت و بندگی مطرح شده است این باید اخلاقی به دست می آید که انسان باید بندگی خداوند را انجام بدهد.

در بسیاری از مضامین و داستان های قرآن نیز بر روح بندگی تأکید شده است. قرآن کریم داستان تسلیم بودن حضرت ابراهیم علیه السلام در مقابل اوامر و دستورات الهی را الگوی تسلیم و رضا بیان می کند و

از ما می‌خواهد تا در مقابل امر خدا و قرآن کریم دارای چنین ایمان و اعتقادی باشیم و در عمل، ابراهیم گونه در اجرای احکام الهی پابرجا و ثابت‌قدم باشیم. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱ ب، ص ۵۰)

اصل بودن کُد اخلاق بندگی

آیا بایستگی بندگی اصل است یا قاعده؟ همان گونه که اشاره شد اصل بندگی «انسان‌ها باید بندگی خدا را در زندگی انجام دهند.» تمام ملاک‌های اصل بودن را دارا است و چنانچه اشاره خواهیم کرد تمام قواعد و احکام اخلاقی نیز زیر مجموعه آن قرار می‌گیرند.

اشکالی که ممکن است مطرح شود این است که از عبودیت گاهی به‌عنوان یک اصل مهم برای رسیدن به کمال یاد شده است و گاهی نیز به‌عنوان راه و هدف میانی معرفی شده است مثلاً در کتاب به‌سوی خودسازی در توضیح آیه ۵۶ ذاریات آمده است: ظاهر آیه بر هدف نهایی بودن عبادت دلالت دارد، اما با دقت در آیات قرآن توهم هدف نهایی بودن عبادت رفع می‌گردد. ما آفریده‌شده‌ایم که خداوند را عبادت کنیم و بی‌شک عبادت هدف نیست و هدف از آن نیل به قرب خداست. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۷ و ۲۵۸) و همچنین می‌فرمایند: در مجموع می‌دانیم که «عبادت» هدف نهایی خلقت انسان نیست، بلکه از اهداف متوسط و مقدماتی آن است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸ ب، ص. ۲۶۸)

در مواردی هم علامه عبادت و بندگی را هدف غایی معرفی کرده‌اند. در کتاب ره‌توشه آمده است: ارزش عبادت و بندگی خدا تا به حدی است که خداوند متعال، در قرآن، هدف غایی خلقت جن و انس را عبادت می‌داند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ و، ص. ۲۶) و در کتاب آیین پرواز آمده است آیا عبادت «یک» هدف است و اهداف نهایی دیگری هم در کار است و مثلاً، تکامل هم هدفی دیگر است؟ تعبیر «ما» و «الا» در آیه می‌گوید، یک هدف بیشتر نیست و آن هم «عبودیت» است. اگر می‌خواهید برای دریافت بالاترین فیض وجود، شایستگی پیدا کنید تنها راهش این است که فقط گوش به فرمان خدا باشید و بر اساس میل و اراده او حرکت کنید. (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ الف، ص. ۴۷ و ۴۸) بالاخره عبودیت اصل است یا هدف و آیا جزء اهداف میانی است یا غایی؟

در اینکه عبودیت هدف است یا اصل؟ باید گفت بستگی به این دارد که عبودیت در چه قالبی به کار برده شود گاه می‌گوییم «انسان برای بندگی آفریده شده است» این وقتی است که عبودیت را به عنوان هدف و توصیف مورد توجه قرار دهیم و گاه می‌گوییم «وظیفه انسان بندگی است» این هم وقتی است که عبودیت به عنوان اصل و هنجار به کار برده شود.

اما اینکه عبودیت هدف نهایی است یا میانی این به تفسیر ما از عبادت برمی‌گردد. اگر «لیعبدون» را به معنی عبادات ظاهری و مراحل آغازین و میانی بندگی در نظر بگیریم، عبودیت هدفی میانی است، ولی اگر عبودیت را به معنای حقیقی و نهایی آن و همچنین نتیجه بندگی در نظر بگیریم، هدف غایی و نهایی است و هم معنی با کمال نفس و قرب الی الله می‌باشد. همچنین اگر بندگی را از این حیث که ما را به کمال می‌رساند در نظر بگیریم راه و روش می‌شود. بنابراین حیث گفتگوی از بندگی منجر به تفاوت در این برداشت‌ها است.

ضرورت اجرای کُد اخلاقی بندگی

چرا انسان باید بندگی خداوند را بکند؟ بندگی خداوند امری ضروری و لازم است؛ زیرا انسان واقعاً بنده خداوند است و باید بندگی خداوند را بکند و الا بنده غیر می‌شود. اگر انسان بندگی خداوند را نکند یا بنده هوای نفسانی است (اعراف/۱۶۶ و فرقان/۴۳) یا بنده انسان‌های دیگر است، چه اینکه امام جواد علیه السلام می‌فرماید: مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۱۲، ص ۷۹۲)؛ هر کس به گوینده‌ای گوش فرا دهد او را بندگی کرده است. علامه در تبیین آیات اَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ وَ أَنْ اعْبُدُونِي هذا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس/۶۰ و ۶۱)؛ ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم و به شما سفارش نکردم که شیطان را اطاعت نکنید که دشمن آشکار شما است و مرا اطاعت کنید که این است راه راست؛ «صراط مستقیم» و راه راستی که انسان را به کمال برساند یک‌راه بیشتر نیست و آن هم «أَنْ اعْبُدُونِي» است. اگر جایی و راهی عبادت خدا نشد، حتماً عبادت شیطان

است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص. ۱۹۵)

علی‌علیه السلام حقیقت بندگی را آزادی از همه قید و بندها معرفی کرده و می‌فرمایند: مَنْ قَامَ بِشَرَائِطِ الْعُبُودِيَّةِ أَهْلٌ لِلْعِتْقِ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۴۵۰)؛ هر که شرایط بندگی را به‌جای آورد سزاوار آزادی شود. اعمال انسان وقتی به نهایت کمال می‌رسند که در قالب و قامت بندگی و اطاعت رخ عیان سازند.

مفهوم عناصر کلیدی گد اخلاقی عبودیت

با توجه به اصل «انسان‌ها باید در زندگی بندگی خدا را انجام دهند» واژه‌های بندگی (عبودیت)، خداوند، انسان، زندگی دنیوی و باید را مورد توجه قرار داده و تعریف آن‌ها را ارائه می‌کنیم:

عبودیت

همان‌طور که اشاره کردیم عبودیت به معنی بندگی است. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش از حقیقت بندگی فرمود: حقیقت بندگی سه چیز است این‌که بنده در آنچه خداوند به او عطا فرموده است برای خود مالکیتی قائل نباشد؛ زیرا بندگان مالک چیزی نیستند مال را متعلق به خدا می‌دانند و آن را هر جا که خدای تعالی فرمان داده است به مصرف می‌رسانند. بنده برای خود تدبیر و چاره‌اندیشی نمی‌کند و تمام اشتغالش به چیزهایی است که خدای تعالی او را به انجام آن فرمان داده یا از آن‌ها بازداشته است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ج ۷، ص. ۳۴۱۴)

حقیقت بندگی به این معنی است که انسان باید حالت انقیاد کامل داشته باشد و بدون هیچ‌گونه اعتراضی در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم محض باشد؛ زیرا اعتقاد به ربوبیت تکوینی و تشریعی خداوند چنین اقتضایی دارد که انسان در مقام علم گوش به فرمان او بوده و مراقب باشد خداوند چه کاری از وی می‌خواهد و چه کاری را منع می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۹۹) صفایی حایری تعبیر جالبی از عبودیت دارد او می‌نویسد: عبودیت از آزادی گذشتن است. این مفهوم، بی‌نهایت با اسارت متفاوت است؛ عبد آزاده‌ای است که حق را انتخاب کرده است، نه هوای خویش را و نه حرف خلق را و نه جلوه دنیا را. پیش از عبودیت رسالتی نیست؛ هرآنچه باشد همه بت‌پرستی و یا بت‌سازی است؛ بت‌پرستی دیگران و یا بت‌سازی از خویشتن (صفایی حائری، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۱).

خداوند

خداوند در لغت به معنی صاحب و مالک آفریدگار جهان است. حقیقت خداوند قابل درک نیست. او موجودی است که منشأ بی‌نهایت هستی است. علامه درباره خداوند متعالی می‌فرماید: وجود بسیط و نامتناهی خداوند، از درک محدود ما پوشیده است و امکان ندارد که با حس و فهم محدود ما درک شود؛ چون چیزی حس می‌شود و با عقل درک می‌شود و حتی در وهم انسان راه می‌یابد که در محدوده حس، عقل و وهم قرار گیرد و به‌نوعی حس، عقل و وهم بر آن احاطه پیدا کنند و چون آن سه محدود هستند، مُدرک آن‌ها نیز محدود خواهد بود؛ اما خداوند نامتناهی است و بر همه هستی احاطه دارد و خود خالق حواس، عقل و وهم است و امکان ندارد که در حصار حس و درک ما قرار گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص. ۳۳۷). در جای دیگری درباره خداوند می‌فرماید: خداوند وجود کاملی است که صفات جمال و جلال او نامتناهی هستند و مظهر همه زیبایی‌ها و خوبی‌هاست. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۴)

انسان

در نگاه اسلام، انسان موجودی است دارای روح که ماندگاری و انسانیت انسان به آن است، مظهر همه اسماء و صفات الهی، دارای کرامت اختیاری، قدرت تصمیم‌گیری، دارای استعداد و شایستگی خلافت الهی با عمری نامحدود و بی‌نهایت که زندگی او فقط در دایره تولد و مرگ خلاصه نمی‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج. ۴۰) قرآن نیز در سخن گفتن از آدمی ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی را در باره او به کار برده است، ظرفیت‌هایی مانند روح، نفس، عقل، قلب، اراده و اختیار، هویت جمعی و محدودیت‌ها و کاستی‌هایی مانند جهل، طمع، بخل و شتابزدگی و مانند آن (باقری، ۱۳۸۳، ص. ۱۱-۳۷)

زندگی دنیا

از نگاه اسلام زندگی دنیا در برابر آخرت نامی است بر مرحله ابتدایی از هستی. قرآن چهره زندگی دنیا را زودگذر (یونس/۴۵)؛ حقیر (نساء/۷۷)؛ فریبنده (آل عمران/۱۸۵) همراه با سختی‌ها و دشواری‌ها (بلد/۴)

محل آزمایش (ملک/۲) و مقدمه‌ای برای ورود به عالم آخرت معرفی کرده است. علی علیه‌السلام می‌فرماید: بدان که تو برای آخرت آفریده‌شده‌ای نه برای دنیا و برای رفتن نه ماندن و برای مردن نه زنده ماندن و تو در منزلی هستی که از آن کوچ می‌کنی و در خانه‌ای هستی که چند روزی بیش در آن نمی‌پایی و در راه به‌سوی آخرت هستی. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص. ۷۶)

باید اخلاقی

باید اخلاقی، درواقع، عالی‌ترین شکل لزوم یک رفتار و یا یک صفت اختیاری است و هنگامی که این مفهوم در یک حکم اخلاقی یا کد اخلاقی قرار گرفت، رعایت آن الزامی است. (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۶، ۹۱ - ۱۱۰) برای منشأ الزام اخلاقی عقل، دین، قراردادهای اجتماعی، احساسات و فطرت را مطرح کرده‌اند. (رک مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ط)

لوازم اجرای کُد اخلاقی عبودیت

یکی از ارکان کد نویسی بیان لوازم درونی و بیرونی کُد اخلاقی است یعنی اگر عبودیت و بندگی بخواهد تحقق پیدا کند چه لوازم درونی و بیرونی باید مورد توجه قرارگیرد؟ برای تحقق بندگی و عبودیت لوازم و اموری مانند معرفت و آگاهی، ایمان و نیت، زمان و اختیار باید وجود داشته باشد. آگاهی در این جا به دوگونه متصور است یکی آگاهی بیرونی که آگاهی به خود کُد عبودیت و بندگی است که بدانیم بنده‌ایم و باید بندگی کنیم.

و دیگری آگاهی‌های درونی است که یک حالت و وضعیتی است که بخشی از آن شناخت خداوند و سرچشمه عالم است و بخشی از آن معرفت به رضایت الهی و اطاعت و عصیان الهی و تلاش برای تحقق آن است که هر دو نوع آگاهی از لوازم تحقق عبودیت هستند. از این رو علامه به این شناخت توجه کرده و می‌فرماید: وقتی انسان خداوند را به خوبی شناخت و جایگاه او را در عالم درک کرد به او تکیه می‌کند و آگاهانه تسلیم اوامر الهی می‌شود و وظیفه خود را با خشنودی انجام می‌دهد. از اینجا عبودیت شکل می‌گیرد تا جایی که انسان می‌پذیرد باوجود خداوند دلیلی وجود ندارد که انسان رو

به‌سوی غیر خدا آورد، اَلَيْسَ اللّٰهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ (زمر/۳۶) آیا خداوند برای بنده‌اش کافی نیست؟ (مصباح

یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص. ۱۹۵)

هر چه انسان معرفتش نسبت به خداوند افزایش پیدا کند، زمینه برای بندگی بیشتر به وجود می‌آید و به همین ترتیب به صورت پلکانی منجر به افزایش معرفت و روح عبودیت می‌شود.

چالش‌ها و راه‌حل‌های کُد اخلاقی بندگی

کُد اخلاقی بندگی با چالش‌هایی می‌تواند روبرو باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

در اسلام در کنار اطاعت از خداوند اطاعت از رسول و اولی الامر و والدین نیز مطرح شده است در مواردی ممکن است بین اوامر تراحم به وجود بیاید در این تراحم‌ها چه باید کرد. بدیهی است که امر الهی بر همه امرها حاکم است و هر امر و نهی که منافات با اوامر الهی و نواهی الهی دارد باید، کنار گذاشته شود.

خداوند چه نیازی بی بندگی ما دارد؟

خداوند کامل مطلق است و واژه «نیاز» برای او بی‌معنی است. خدا به عبادت ما نیازی ندارد و از عبادت نکردن ما آسیبی به او نمی‌رسد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳ ب، ص. ۶۱) اما این انسان است که به عبادت نیاز دارد تا در پرتو آن راه درست را بشناسد و مسیر کمال را طی کند.

با تعریفی که از عبودیت مطرح شد کسی نمی‌تواند حق عبودیت را به جا آورد پس مردم را به چیزی دعوت می‌کنیم که ناشدنی است.

مهم این است که انسان راه بندگی را بشناسد و در این مسیر حرکت کند؛ و واضح است هر انسانی به اندازه تلاشش به هدف نزدیک می‌شود. علامه مصباح در توضیح این نکته که عبودیت دارای مراتبی است و هر مرتبه آن که حاصل شود مطلوب است. می‌فرماید یکی از مشهورترین تقسیماتی که برای اقسام و مراتب عبودیت وجود دارد، همان فرمایش معروف امیرالمؤمنین علیه السلام است که عبادت بندگان را به «عبادت بردگان»، «عبادت تاجران» و «عبادت آزادگان» تقسیم فرموده است (نهج

البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۲۲۹) اسلام هیچ یک از این سه نوع عبادت را رد نمی‌کند؛ چون به هر حال مرتبه‌ای از مقصود حاصل است، زیرا مقصود این است که عبد اراده خود را تابع اراده خدا قرار دهد؛ این تبعیت گاهی به طمع بهشت درست می‌شود، گاهی از ترس جهنم و زمانی نیز عبد چون خدا را سزاوار پرستش یافته، تن به عبادت او می‌دهد. البته تا به «عبادت احرار» نرسد هنوز بنده خالص نشده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ الف، ۵۲)

از بندگی تفسیرهای متعددی شده است و همین منجر به انحرافات در این حوزه شده است از این رو تضمینی برای سالم ماندن در این راه وجود ندارد و لذا نمی‌توان مردم را به امری مبهم و انحراف‌زا دعوت کرد.

لازمه مسیر کمال وجود امتحانات و انحرافات فراوان است؛ از این رو اسلام به آگاهی و حرکت با بصیرت در راه بندگی تأکید می‌کند و از پیمودن این راه بدون راهنمای ربانی پرهیز می‌دهد. بدترین خطری که جامعه انسانی را تهدید می‌کند آن است که انسان بنده بودن خویش را فراموش کند و پرستش خدا در جامعه مورد تحقیر و تضعیف قرار گیرد و به جای «عبادت سرا»، «فرهنگ سرا» درست کنند و مردم را به اسم هنر و موسیقی و حرکات موزون و سرگرمی، از پرستش خدا بازدارند! علامه مصباح برای درمان این مشکل اجتماعی می‌فرماید «باید جامعه اسلامی به گونه‌ای باشد که انسان از دیدن درودیوار آن به یاد خدا بیفتد.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۳)

تحلیل و بررسی کُد اخلاقی بندگی

با تبیینی که از کُد اخلاقی بندگی ارائه شد، روشن شد این کُد فضیلتی است که بندگان با اراده و اختیار خود و توفیق الهی، به آن دست پیدا می‌کنند. همه انسان‌ها می‌توانند این فضیلت را کسب کنند و هرکسی به اندازه تلاش و سعی خود می‌تواند مراتب آن را طی کند؛ و از آنجاکه این فضیلت امری اختیاری و ارادی است دارای ارزش اخلاقی است. کُد اخلاقی عبودیت و بندگی تنظیم‌کننده روابط افراد با خداوند متعال، خود، دیگران و محیط‌زیست است.

تا اینجا درباره نظام اخلاقی علامه دو مؤلفه نظریه ارزشی و اصل اخلاقی را به تفصیل مناسب این مقاله مورد توجه قرار دادیم؛ اما نسبت به سایر مؤلفه‌ها در این مقاله به صورت مروری اشاره خواهیم کرد.

۳. قواعد اخلاقی برگرفته از کد اخلاقی عبودیت

قواعد اخلاقی دستورات کلی و عامی هستند که رعایت و کار بست آن به عنوان معیاری تعیین کننده در رفتار شخص با خود، دیگران، خداوند و محیط زیست را نشان می دهد. به سخن دیگر به ما می گویند چه چیزهایی لازم یا مجاز یا خوب یا بد است. مثل قاعده زرین که به عنوان معیاری در تشخیص درستی و یا نادرستی رفتار با دیگران قابلیت کاربرد دارد. (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶، ج. ۱، ص. ۱۶۷)

راه شناخت آن‌ها مراجعه به منابع مربوط به نظام معین است و مثلاً راه شناختن قواعد اخلاقی و حقوقی اسلام، مراجعه به کتاب و سنت می باشد. از این رو ملاک صدق و کذب در چنین قضایایی، مطابقت و عدم مطابقت آن‌ها با مدارک و منابع اخلاقی و حقوقی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ هـ.ج. ۱، ص. ۲۴۵) البته باید توجه داشت که عقل و تجربه نیز در عرض کتاب و سنت از اعتبار خود برخوردار هستند.

قواعد اخلاق بدنه اصلی نظام اخلاقی را شکل می دهند و از اصول اخلاق به دست آمده و نسبت به آن‌ها جزئی تر و در عین حال پیچیده تر و به مقام عمل نزدیک تر هستند. قواعد اخلاقی را می توان به قواعد کلی تر و جزئی تر تقسیم کرد. بسیاری از مواعظی که در اخلاق مطرح می شوند بیان قواعد استنتاجی اخلاق هستند. از این رو فهرست مفصلی می توان از قواعد اخلاقی مطرح کرد و رابطه آن‌ها را با ارتباطات چهارگانه انسان مشخص کرد.

قواعد خاص بندگی

همانطور که اشاره شد قواعد اخلاقی می توانند فراوان باشند و ما در این بررسی تنها به عناوین چند قاعده اشاره می کنیم.

اخلاص (مربوط به اخلاق بندگی): اخلاص یعنی این که انسان خود را برای خدا خالص کند، به گونه ای که هیچ شائبه ای از غیر خدا در وجودش نباشد. اگر امیدی دارد، به خداست و اگر ترسی

دارد، از خداست و اگر کمکی می‌خواهد، از خدا می‌خواهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج. ۱، ص. ۱۴۰).
استعانت از خداوند متعال (مربوط به اخلاق بندگی): لازمه درک بندگی استعانت از خداوند است
علامه در این باره می‌فرماید استعانت برخاسته از نیاز فطری انسان است؛ چون انسان فطرتاً نیازهایی
دارد و نمی‌تواند از آن‌ها صرف‌نظر کند؛ از این رو برای تأمین آن‌ها از خداوند مدد می‌جوید. (مصباح
یزدی، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۶)

حسن خلق و خوش رفتاری با دیگران (مربوط به اخلاق اجتماعی): حسن خلق تنها در برابر افراد
خوش اخلاق و نیک منش سفارش نشده است؛ بلکه اهمیت، ارزش و چه بسا جایگاه این سفارش،
بیان شیوه رفتار با افراد بدخلق و پرخاشگر و ناسازگار است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج. ۲، ص. ۱۹۸)
احسان و خیرخواهی (مربوط به اخلاق اجتماعی): احسان و خیرخواهی نسبت به دیگران
مورد توجه قرار می‌گیرد. امام صادق می‌فرماید حق مسلمان بر مسلمان آن است که خیرخواه او باشد.
(کلبی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۷۱) این قاعده اخلاقی در مورد کسانی که رفتارهای دوستانه دارند و از
دشمنی‌های خصمانه و عناد آمیز به دورند معنی پیدا می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج. ۲، ص. ۱۹۷)
تواضع و فروتنی (مربوط به اخلاق بندگی و اجتماعی): یکی دیگر از ارزش‌های اخلاقی فروتنی و
ادب در گفتار و رفتار نسبت به دیگران است به‌ویژه با کسانی که حقی بر انسان دارند و به‌خصوص با
پدر و مادر؛ زیرا مصالح اجتماعی و حقوق افراد جامعه از این راه بهتر تأمین می‌شود. (همو، ۱۳۹۲، الف،
ص. ۴۱۵) علامه در نقش تواضع در بندگی می‌فرماید: دوستان خدا هر چه به خدا نزدیک‌تر می‌شوند
متواضع‌تر می‌گردند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۹)

کرامت و عزت نفس (مربوط به اخلاق فردی): نظام اسلامی در عین اینکه آدمی را به تواضع و
فروتنی دعوت می‌کند به عزت نفس نیز توصیه می‌کند، به او اجازه ذلت و فرومایگی و پستی،
مخصوصاً در برابر دشمنان خدا را نمی‌دهد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص. ۶۷ و ۱۳۸۲، ص. ۴۲)
برخی دیگر از این قواعد عبارتند از: (ایمان به خداوند، خودشناسی، ولایت‌پذیری، عمل صالح،

عدالت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری، مهرورزی، آزادگی، ورع و پرهیز از گناه، اسراف نکردن، امانت‌داری، وفای به عهد، دوری از خیانت، حیا و عفت، صداقت و راست‌گویی و مانند آن) گفته شد که نظام اخلاقی دارای شش مؤلفه است تا اینجا، نظام ارزشی، اصل اخلاقی و قاعده اخلاقی را مورد توجه قرار دادیم در ادامه سه مؤلفه دیگر را اشاره می‌کنیم.

انگیزه‌ها و مشوق‌ها

انگیزه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی دارند. در ادیان الهی و دین اسلام مشوق‌هایی برای هر یک از رفتارها، صفات و وضعیت‌های اخلاقی مطرح شده است. این مشوق‌ها را می‌توان به مادی، معنوی، این جهانی و آخرتی، درونی و بیرونی تقسیم کرد. در آیات و روایات آثار و فواید فراوانی برای بندگی خداوند مطرح شده است که پرداختن به آن از حوصله این مقاله خارج است و تنها به یک روایت از حضرت زهرا علی‌ها سلام اکتفا می‌کنیم: مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ؛ (بحارالانوار، ج. ۶۷، ص. ۲۴۹) هر که عبادت و بندگی خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، خداوند پر عزت و جلالت، برترین مصلحت (دنیا و آخرت) او را به سویش فرو می‌فرستد. علامه مصباح در باره آثار بندگی خداوند می‌فرماید: تمام عزت انسان در بندگی نهفته است و بالاترین لذت هم در بندگی خداوند عاید انسان می‌گردد. مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت می‌فرمود: «اگر سلاطین می‌دانستند که چه لذتی در نماز هست، حاضر بودند دست از سلطنت خویش برداشته، به دنبال نماز بروند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص. ۵۵۳) در جای دیگر می‌فرماید: با خدا باشید تا خدا با شما باشد. اگر عزت دنیا را می‌خواهید، در سایه اطاعت خدا به دست خواهد آمد، اگر عزت آخرت را می‌خواهید، در سایه بندگی خدا حاصل می‌شود. (همو، ۱۳۹۲، ب، ص. ۱۰۲) زیرا ورای عزت و قدرت الهی، عزت و قدرتی وجود ندارد. قرب الهی و کمالی که شایسته انسان است، تنها در سایه معرفت و شناخت خدا و در نتیجه عبادت و بندگی برای خدا پیدا می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج. ص. ۲۸۱)

ضمانت اجرایی

ضمانت اجرا به معنای وجود سامانه‌ها و مکانیزم‌هایی است که اطمینان می‌دهد ارزش‌های اخلاقی در جامعه به‌خوبی حفظ و رعایت شوند. این سامانه شامل سیستم انذارها و بشارت‌ها، قوانین، عدالت، تنظیمات سازمانی و رسانه‌ها است که به اجرای ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کنند و در صورت نقض آن‌ها ترتیبات مناسبی را برای تصحیح و تأیید حق‌های اخلاقی فراهم می‌کنند. در اسلام نیز قوانین حقوقی و تنبیه‌های مادی و معنوی، دنیوی و آخری نیز به این منظور تعیین شده‌اند.

قرآن دوری از بندگی خداوند را مایه بدبختی و ذلت معرفی کرده و به عنوان انذار می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (غافر/۱۰) و آنان که از عبادت من با بزرگی فروشی اعراض کنند، بزودی با ذلت و خواری داخل جهنم می‌شوند. وقتی انسان روحیه ضد حق‌شناسی (استکبار) را در خودش تقویت کرد در حقیقت یک گام به جهنم نزدیک‌تر شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص. ۲۰۷)

خداوند بندگی نفس و غیر خدا را عین گمراهی معرفی کرده و می‌فرماید: أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ؛ (جاثیه/۲۳) پس آیا دیدی آن کس را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را با آگاهی گمراه گردانیده است.

توجیه اخلاقی

توجیه اخلاقی به معنای ارائه دلایل و استدلال‌هایی است که ارزش‌های اخلاقی را توجیه و تبیین می‌کند. این استدلال‌ها ممکن است بر اساس نظریات اخلاقی، اصول فلسفی یا اعتقادات دینی مختلفی باشند و نشان می‌دهند که چرا باید به ارزش‌های اخلاقی توجه کنیم و آن‌ها را رعایت کنیم. در موضوع بندگی خداوند و چرایی بندگی خداوند علامه مصباح می‌فرماید: اگر سؤال شود چرا انسان باید خدا را بندگی کند؟ پاسخ خواهیم داد: چون واقعاً بنده است و بنده راهی جز بندگی ندارد. هرگاه انسان توانست خود را از بنده بودن رها سازد، دیگر به بندگی کردن نیاز ندارد، اما تا هنگامی که

بنده خداست، باید بندگی نماید. (همو، ۱۳۹۱، ک، ج ۱، ص. ۵۵۵) در جای دیگر می‌فرمایند: اصل اسلام بندگی است، نهایت کمال انسان در این است که خود را در برابر ذات حق ذلیل ببیند و در مقابل، احساس کوچکی و ذلت در برابر دیگران نکند و خود را نیازمند به آنان نبیند. چون اگر خود را نیازمند آنان دید، خواه ناخواه به اندازه احساس نیازمندی احساس ذلت خواهد کرد. (همو، ۱۳۹۱، ص. ۳۲۵) اما چرا باید گوش به فرمان خدای متعال بود؟ چرا که او عالم به همه امور است و تمامی مصالح و مفاسد را می‌داند و ارزش‌گذاری و سنجش کمی و کیفی امور برای او میسر است و به مقتضای برآیند آن‌ها حکم به جواز یا حرمت یک امر می‌دهد. (همو، ۱۳۹۴، ص ۹۱) بنابراین در دل بندگی آگاهی از معبود، عمل به وظیفه، رسیدن به عزت و دوری از ذلت نهفته است.

نتیجه‌گیری

نظام اخلاق به‌عنوان یک نظام فرا ساحتی که بر همه روابط و رفتارهای انسان اثر می‌گذارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محمدتقی مصباح به‌عنوان اندیشمند اسلامی‌شناس دقت نظرهای فراوانی در حوزه اخلاق داشته‌اند و در حقیقت نظام اخلاقی اسلام را مورد تحلیل قرار داده‌اند. در این بررسی نشان داده شد که نظریه ارزشی اخلاقی علامه در زیرمجموعه نظریه‌های ارزشی غایت‌گرای کمال‌گرا و در زمره مکاتب تک اصلی مبتنی بر اصل عبودیت قرارداد. در تبیین کد اخلاقی «عبودیت»، به دو شکل ارزشی و الزامی می‌توان پیش رفت. شکل ارزشی آن عبارت است از: «عبودیت نسبت به خدا اخلاقاً خوب است» و شکل الزامی آن این است که «انسان‌ها باید در زندگی نسبت به خداوند بندگی کنند.» اصل اخلاقی عبودیت با توجه به آیین نامه اخلاقی (کُد اخلاقی) مورد ارزیابی قرار گرفت و ریشه‌های آن در آیات اشاره شد و حقیقت آن که مبتنی بر آگاهی، تسلیم و رضایت مورد توجه قرار گرفت. برخی از چالش‌های بحث عبودیت مورد توجه قرار گرفت. سایر مؤلفه‌های نظام اخلاقی (قواعد، انگیزه و مشوق‌ها و ضمانت اجرایی و توجیه عملیاتی) اشاره شد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ ه.ق.
۳. پینکوس، ادموند، از مسأله محوری تا فضیلت‌گرایی، ترجمه سید محمد رضا حسینی و مهدی علیپور، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ترجمه و تصنیف مصطفی درایتی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰.
۵. جمعی از نویسندگان، درآمدی بر نظام‌نامه تربیتی المصطفی (ص)، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۵.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۷. حسینی قلعه‌بهمن سیداکبر، تحلیلی بر مفهوم جایگاه و نقش اصل اخلاقی در نظام اخلاقی، قم: پژوهش‌نامه اخلاق، دوره پانزدهم، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۵۶، ۱۱۵-۱۳۶.
۸. حسینی قلعه‌بهمن، سیداکبر، تحلیل کد اخلاقی محبت در آیین کاتولیک، قم: فصل‌نامه اخلاق پژوهی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶.
۹. حسینی قلعه‌بهمن، سیداکبر، تحلیلی بر ساختار نظام اخلاق در ادیان، قم: معرفت ادیان، سال هفتم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۴، ۱۱۳-۱۳۰.
۱۰. شریفی، احمد حسین و همکاران، دانش‌نامه اخلاق کاربردی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ج ۱، ۱۳۹۶.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱۰ و ۱۲.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب. الیافی، مصحح: علی اکبر غفاری؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، چ چهارم، ۱۴۰۷، کتابخانه دیجیتال نور.
۱۳. گروهی از نویسندگان زیر نظر آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۰.
۱۴. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶.

۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. محمد باقر، بحار الانوار، قم: محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، ج ۳، ۱۳۸۱.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، انسان سازی در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۲ الف.
۱۸. _____، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ج ۱، ۱۳۹۸.
۱۹. _____، آموزش فلسفه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱.
۲۰. _____، آذر خشی دیگر از آسمان کربلا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۲ اب.
۲۱. _____، آموزش عقاید، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۹ ب.
۲۲. _____، آیین پرواز، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۹ الف.
۲۳. _____، بر درگاه دوست، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۲.
۲۴. _____، به سوی او، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۳ الف.
۲۵. _____، به سوی تو، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، تابستان ۱۳۸۳ ب.
۲۶. _____، به سوی خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۰.
۲۷. _____، پند جاوید، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱ د.
۲۸. _____، پندهای امام صادق به ره جوین صادق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱ الف.

۲۹. _____، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱ ح.
۳۰. _____، جنگ و جهاد در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۴.
۳۱. _____، خودشناسی برای خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۲.
۳۲. _____، در جستجوی عرفان اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۸.
۳۳. _____، رساترین دادخواهی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱ ک.
۳۴. _____، رستگاران، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، چاپ ۳، ۱۳۸۸ ب.
۳۵. _____، ره‌توشه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱ و.
۳۶. _____، سیری در ساحل، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۹ الف.
۳۷. _____، فلسفه اخلاق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱ ز.
۳۸. _____، فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱ ج.
۳۹. _____، معارف قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵.
۴۰. _____، نظریه حقوقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۶.
۴۱. _____، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۸ ج.
۴۲. مهاجرانی، محمد جواد و فتحعلی، محمود، فلمرو فقه و اخلاق، قم: معرفت اخلاقی، ۱۴۰۱، شماره ۳۲، ص ۷-۲۰.

۴۳. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.

44. Hurka, Thomas, "Value Theory", in: The Oxford Handbook of Ethical Theory, ed. By: David Copp, Oxford University Press, usa, 2006.

45. Scanlon, T.M., Moral justification, Rutlidge Encyclopedia of philosophy, Edward Craig, Rutlidge inc., us, 1998.

